

مطالعه تطبیقی جایگاه اخبار آحاد در تفسیر و فقه از منظر آیت الله فاضل لنکرانی*

عبدالله میراحمدی** و زهرا اسعدی سامانی***

چکیده

حجیت خبر واحد در احکام شرعی از شاخص ترین مباحث علم اصول فقه محسوب می شود. در این میان روایات آحاد معتبر ظنی، همواره یکی از منابع و مستندات فقها برای استخراج احکام شرعی هستند؛ اما پیرامون استفاده از روایات آحاد معتبر ظنی در موضوعات غیر فقهی اختلاف نظر وجود دارد. به بیان دیگر پس از پذیرفتن حجیت خبر واحد یکی از مسائل چالش برانگیز در میان عالمان دینی مشخص کردن قلمرو اعتبار خبر واحد از سوی آنها است. در این راستا دو دیدگاه وجود دارد: رویکرد اول فقط آن را در حوزه احکام فقهی و عملی معتبر می داند و رویکرد دوم با اختلافاتی در مبنا و تحلیل، اعتبار آن را در تفسیر آیاتی غیر از آیات الاحکام می پذیرد. آیت الله فاضل لنکرانی با متحد دانستن ملاک منجزیت و معذرت در فقه و تفسیر، به دلیل سیره عقلانیه از طرفداران دیدگاه دوم به شمار می آید. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به طرح نظر مجتهد فرزانه محمد فاضل لنکرانی می پردازد.

واژگان کلیدی: خبر واحد، حجیت، تفسیر، روایات تفسیری، فاضل لنکرانی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۸ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۰۹.

** عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی: mirahmadi_a@khu.ac.ir

*** دانش آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی (نویسنده مسئول): zahrasamaniajadi@yahoo.com

مقدمه

آیات قرآن کریم در سطوح مختلف فهم بشر نازل شده است. علاوه بر آن بعضی آیات، در بردارنده کلیات و مسائلی است که نیازمند تبیین است. خداوند متعال در آیه ۴۴ سوره نحل وظیفه تبیین را به عهده رسول خویش نهاده و فرموده: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ «ما این قرآن را به سوی تو نازل کردیم تا آن چه را به سوی مردم نازل شده برای آن‌ها روشن سازی». پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام عهده‌دار تبیین و کشف مراد آیات قرآن بودند بنابراین سخن آنان به استناد حدیث ثقلین برای رهایی از جهالت و گمراهی قابل اعتماد است.

روایات تفسیری، بیانات معصومین علیهم السلام که ناظر بر تبیین قرآن هستند و به فهم ما از مدلول آیات و درک مراد خداوند یاری می‌رسانند. این روایات کارکردهای متعددی در تفسیر آیات قرآن دارند: برخی ناظر به ظاهر قرآن هستند و به تبیین واژگان، توضیح مفاهیم کلیدی، بیان مصداق، تبیین حکمت، و توضیح اشارات، تبیین متشابهات، تشریح فضای نزول، نقد تفسیرهای نادرست، تقیید مطلق، تخصیص عام و تعیین ناسخ منسوخ می‌پردازند. برخی ناظر به باطن و لایه درونی آیات هستند و آن را تأویل می‌نامند و برخی با اشاره به مضمون آیه و به گونه غیر مستقیم و غیر صریح به درک مقصود آیه، ما را یاری می‌رسانند (مسعودی، تفسیر روایی جامع، ۱۳۹۵: ۱/ ۲۵-۵۰) به طور کلی روایات یا اخبار به دو شکل متواتر و آحاد به دست ما می‌رسند. اخبار متواتر را به لفظی، معنوی و اجمالی تقسیم می‌کنند که هر سه قسم با حفظ شرایط، اطمینان‌آور و مفید علم به مضمونشان هستند. اخبار آحاد اگر محفوف به قرآنی باشد که صدور آن را از معصوم تثبیت کند نزد تمام علما حجت است و می‌توان به آن استناد کرد. ولی اگر خبر واحد فاقد قرائن باشد یا به عبارتی قرائن را متقن ندانیم؛ از دیر باز محل اختلاف بین علما می‌باشد (شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، ۱۳۷۸: ۳۳ و ۳۴). اختلاف دیگری که بین علما در این رابطه وجود دارد این است که اگر خبر واحد حجت است، در چه حیطه‌ای از آیات قابل اعتماد است؟ آیا در تمام آیات، اعم از آیات الاحکام که به فقه مربوط است و غیر آیات الاحکام که تحت عنوان تفسیر مشهور است؛ حجت است یا این که در فقه حجت است و در تفسیر حجت نیست؟ نظرات گوناگونی از زمان سیدمرتضی و شیخ طوسی تاکنون در این زمینه وجود داشته که صاحبان آن در آثار خویش به آن پرداخته‌اند. در عصر حاضر نیز نظرات برخی از اندیشمندان فرهیخته هم‌چون، آیت‌الله معرفت در مقاله‌ای با عنوان کاربرد حدیث در تفسیر (مجله الهیات و حقوق، ۱۳۸۰) و آیت‌الله مصباح یزدی در مقاله حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن (مجله معرفت، ۱۳۸۹) توسط ایشان به رشته تحریر در آمده است. افزون بر این، برخی پژوهشگران، اعتبار خبر واحد را در زمینه‌های مختلف و یا از

دیدگاهی خاص بررسی کرده‌اند. در این میان به مشهورترین مقالات موجود در مجلات اشاره می‌شود: اعتبار سنجی روایات تفسیری با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله معرفت (رضایی اصفهانی، دو فصلنامه حدیث پژوهی، ۱۳۹۱)؛ کاربرد حدیث در تفسیر و معارف (لاریجانی، مجله الهیات و حقوق، ۱۳۸۱)؛ اعتبار سنجی خبر واحد در عقاید دینی (گوهری بخشایش و رضایی، فصلنامه کلام اسلامی، ۱۳۹۰)، پژوهشی در اعتبار احادیث تفسیری (ناصح، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ۱۳۸۲)؛ بررسی حجیت خبر واحد در مسائل اعتقادی (عزیزان، فصلنامه فلسفی - کلامی، ۱۳۹۱)؛ اعتبار خبر واحد در تفسیر و اعتقادات از منظر علامه طباطبایی (محمدی، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ۱۳۹۴)؛ تحلیل تفاوت دیدگاه‌های قائلان به حجیت اخبار آحاد در حوزه تفسیر (قاضی‌زاده و جعفری، فصلنامه علوم حدیث، ۱۳۹۰) نام برد. در برخی از این مقالات اشاره‌ای گذرا به نظر آیت‌الله فاضل لنکرانی در این زمینه شده است. و در مقاله اخیر دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی با هم نظرانش تحلیل و بررسی شده است. ولی تاکنون اثر مستقلی در رابطه با اعتبار خبر واحد از نظر ایشان نگاشته نشده است. این پژوهش با استفاده از کتاب‌های اصولی ایشان و کتاب مدخل التفسیر به طرح نظر و دلایل این عالم برجسته در رابطه با حجیت خبر واحد در فقه و تفسیر خواهد پرداخت.

مفهوم‌شناسی

۱. مفهوم حجیت

این واژه از حجّت به معنای برهان گرفته شده است. ازهری می‌گوید: دلیلی که به واسطه آن بتوان بر طرف مقابل غلبه کرد را حجّت می‌گویند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲/۲۲۸). اصطلاح حجّت کاربردهای متفاوتی در علوم مختلف منطق، رجال، حدیث و اصول فقه دارد. در پژوهش حاضر حجّت اصولی مورد نظر است.

در این میان در اصول «حجّت»، هر چیزی است که متعلق خودش را اثبات کند، اما به درجه قطع نرسد (مظفر، اصول الفقه، ۱۳۷۴: ۲/۱۲). به بیان دیگر، هر چیزی که صلاحیت داشته باشد و ادعا شود دلیل برای یک حکم شرعی است و اگر دلیل بودن آن ثابت شد یعنی حجیت آن ثابت شده است (محمدی، شرح اصول فقه، ۱۳۸۷: ۳/۱۲). شاید از این‌روست که برخی در اصول، حجیت را به معنای منجزیت و معذرت معنا کرده‌اند (خراسانی، کفایه الاصول، ۱۴۰۹: ۲۷۷). یعنی اگر حجیت چیزی مثل قطع یا اماره ظنیه ثابت شد، باید حتمی به آن عمل شود و اگر بعداً معلوم شد آن چیز مخالف با واقع بوده معذور است و مستحق عقاب نیست (فاضل لنکرانی، ایضاح الکفایه، ۱۳۸۵: ۴/۱۵۳).

۲. مفهوم خبر واحد

علمای اصول در تعریف خبر واحد به مفهوم مخالف آن یعنی خبر متواتر توجه می‌کنند. چنان‌که در برخی منابع در تبیین خبر واحد چنین آمده است: «خبر واحد عبارت است از خبری که متواتر نباشد یعنی به تنهایی و به خودی خود، موجب علم به راستی محتوا خودش نشود، خواه در حد مستفیض باشد و خواه در این حد نباشد» (لاری شیرازی، التعلیقه علی فرائد الأصول، ۱۴۱۸: ۱/۳۰۳). با این حالت ضرورت دارد پیش از سخن درباره حجیت داشتن خبر واحد به چندین مقدمه توجه کنیم: ۱. خبر واحد از مسائلی است که در علم اصول بررسی می‌شود، زیرا اکثر مسائل فقهی که حکمشان از روایات استفاده می‌شود از طریق خبر واحد ثابت می‌شود. ۲. منظور از خبر واحدی که محل اختلاف است آن خبر واحدی است که جنبه اماریت داشته باشد و محفوف و همراه با قرینه قطعیه نباشد؛ چنان‌چه یک خبر واحد همراه با قرینه قطعیه شد در باب قطع داخل می‌گردد و جنبه اماریت پیدا نمی‌کند (فاضل لنکرانی، ایضاح الکفایه، ۱۳۸۵: ۴/۲۵۰-۲۵۳). ۳. قاعده اولیه در امارات مشکوک الحجیه، عدم حجیت و حرمت عمل به آن‌ها است (همان، ۱۷۷). ۴. هرظنی که بخواهد از این قاعده خارج شود نیاز به دلیل دارد. ۵. در نتیجه با توجه به اصل اولی، قائلین به عدم حجیت خبر واحد نیازی به آوردن دلیل ندارند. ۶. بحث ما پیرامون حجیت خبر واحد بر اساس مبنای مشهور بین علمای شیعه و سنی است که روایات هیچ کدام از جوامع اربعه شیعه یا صحاح سته اهل سنت را قطعی الصدور نمی‌دانند. ۷. خبر واحدی هم که سند ضعیف دارد خبر ضعیف محسوب می‌شود که از بحث ما خارج است (فاضل لنکرانی، بی‌تا، تقریر اصغر محمدی).

حجیت خبر واحد از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

بحث حجیت و عدم حجیت روایات غیرفقهی از جمله روایات تفسیری، غالباً در آثار اندیشمندان شیعه مطرح شده است و عالمان اهل سنت کمتر به این مسئله پرداخته‌اند؛ زیرا آنان تفاوتی میان روایات فقهی و غیرفقهی قائل نیستند. به صورت کلی کسانی از اهل سنت که حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند، حجیت آن را در باب تفسیر نیز قبول دارند. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: عالمان اهل سنت بی‌آن که تفاوتی بین اخبار آحاد فقهی و غیرفقهی بگذارند، همه روایات منقول از افراد ثقه و مورد اطمینان را که اصطلاحاً «خبر صحیح» نامیده می‌شود معتبر و حجیت می‌دانند (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۸۰: ۷۰).

تعداد اندکی از اصولیان امامیه مانند: شیخ مفید، سید مرتضی، ابن ادریس، قاضی ابن البراج، ابن زهره و طبرسی قائل به عدم حجیت خبر واحد اعم از فقه و غیر فقه شده‌اند (انصاری، فرائد الاصول، ۱۴۱۶: ۱/۱۰۹؛ بروجردی، نهایه الافکار، ۱۳۶۴: ۱/۱۰۲). در این میان، سید مرتضی پا را از سایرین فراتر گذاشته و رساله‌ای جداگانه در ابطال عمل به خبر واحد نوشته و ادعا کرده است، بطلان عمل به خبر واحد نزد امامیه مانند بطلان عمل به قیاس است (انصاری، فرائد الاصول، ۱۴۱۶: ۱/۱۱۲). مخالفین حجیت خبر واحد اگر چه طبق اصل اولیه نیازی به آوردن دلیل ندارند، ولی دلایلی از آیات، روایات، اجماع و عقل برای اثبات ادعای خود آورده‌اند (آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ۱۴۰۹: ۲۹۴-۲۹۵). صرف نظر از دیدگاه اندیشمندان فوق، بیش‌تر فقها و اصولیان شیعه، اصل حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند و اخبار آحاد موثق را در حوزه احکام فقهی معتبر می‌شمارند. در این میان، آنچه محل اختلاف فقها و اصولیان شیعه است اعتبار و حجیت روایات غیر فقهی است که در بخش بعد به آن اشاره می‌کنیم. با این حال برخی بر این باورند که مخالفت سید مرتضی و تعدادی اندک با حجیت خبر واحد، هیچ‌گاه محقق نشده و این بزرگان نیز در مقام عمل به این اخبار ملتزم شده‌اند (مظفر، اصول الفقه، ۱۳۷۴: ۲/۸۸).

در مقابل اندیشه سید مرتضی و تعداد اندکی از اندیشمندان شیعه، بزرگانی چون شیخ طوسی ادعای اجماع بر حجیت خبر واحد کرده است (شیخ طوسی، العده فی اصول فقه، ۱۴۱۷: ۱/۱۲۶). بعد از شیخ طوسی، مشهور خبر واحد را حجت می‌دانند. و ضمن رد ادله مخالفین، دلایلی برای اثبات حجیت خبر واحد از آیات، روایات، اجماع و عقل ذکر می‌کنند (آخوند خراسانی، کفایه الاصول، ۱۴۰۹: ۲۹۶-۳۳۰). آیت‌الله فاضل لنکرانی این ادله را بررسی کرده، ولی هیچ‌یک را وافی به مقصود نمی‌داند و حجیت خبر واحد را از طریق سیره عقلا اثبات می‌کند. ایشان در توضیح دلیل آورده‌اند: «بدون تردید سیره عقلائی بر عمل به خبر ثقه و اعتماد بر آن در امور جاری زندگی می‌باشد، بلکه پایه عمده زندگی عقلا در همه ابعادش بر عمل به خبر ثقه استوار است. عقلا ملاحظه کرده‌اند اگر بنا باشد در زندگی خود فقط بر علم تکیه کنند امور زندگی آنان مختل خواهد شد، چون علم عنوانی است که کمتر تحقق پیدا می‌کند. به همین جهت ناچار شدند بعضی از امور غیر علم را مبنا و محور زندگی فردی و اجتماعی خود قرار دهند که از جمله آن‌ها خبر ثقه است».

ایشان در ادامه برای استفاده این بناء عقلا در شرعیات ضمیمه اموری را لازم می‌دانند: اول این‌که عمل به خبر ثقه از اموری است که در زمان معصومین علیهم‌السلام نیز وجود داشته است. دوم این‌که این عمل از امور رایجی بوده که در محضر و منظر معصومین علیهم‌السلام انجام می‌شده است. سوم این‌که

اگر شارع راضی نبود این کار را منع می‌کرد چنانچه در مورد قیاس واستحسان منع فرمودند. چهارم این‌که عدم ردع شارع کاشف از رضایت و موافقت او در اجرای سیره عقلایی در شرعیات است و دلیل محکمی بر حجیت خبر ثقه است. علاوه بر این‌که شواهدی هم از روایات وجود دارد (رجوع کنید به وسائل الشیعه، باب ۶، از ابواب صفات قاضی، ح ۲۷؛ باب ۳ از ابواب صفات قاضی). و در جای دیگر تأکید می‌کنند: «چون مسئله حجیت خبر واحد یک مسئله مهم و مبتلا به بوده است، اگر ممانعتی از طرف شارع شده بود، باید به وضوح و درستی به دست ما می‌رسید البته عمده دلیل بر حجیت خبر واحد همین سیره عقلا است» (فاضل لنکرانی، درس خارج اصول، بی‌تا: تقریر اصغر محمدی).

گستره حجیت خبر واحد از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

پیش از پرداختن به ادله قائلان به عدم حجیت و حجیت روایات غیر فقهی ضرورت دارد به مرزبندی دقیقی پیرامون میزان اعتبار روایات تفسیری اشاره شود. چنان‌که برخی از محققان این روایات را از نظر میزان اعتبار به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: ۱. روایات تفسیری متواتر؛ ۲. روایات دارای قرینه‌های اطمینان‌آور؛ ۳. روایات دارای اسناد معتبر اما فاقد قرائن اطمینان‌آور؛ ۴. روایات فاقد اسناد معتبر و قرائن اطمینان‌آور.

اعتبار روایات دسته اول و دوم، مقبول همگان است (مسعودی، تفسیر روایی جامع، ۱: ۱۳۹۵/۱۱۵). روایات دسته چهارم نیز که در دسته روایات تفسیری ضعیف گنجانیده می‌شوند و به معنای جعلی بودن سند یا متن حدیث نیست، نیازمند تبحر ویژه‌ای است؛ چنان‌که باید با بهره‌گیری از شیوه تخریج در تقویت سندی و مضمونی آن‌ها کوشید (همان، ۱۴۴). در این میان، محل بحث ما روایات تفسیری دسته سوم است. بر این اساس، ما در پی آنیم دیدگاه و ادله اندیشمندان را پیرامون روایات تفسیری که سندشان صحیح است، اما فاقد قرائن اطمینان‌آورند، تبیین کنیم.

۱. دیدگاه و ادله قائلان به عدم حجیت روایات غیر فقهی

از آن‌جا که عمده روایات تفسیری را اخبار آحاد تشکیل می‌دهند؛ با پذیرفتن حجیت خبر واحد در میان متأخرین، این اخبار در محور آیات الاحکام که به فقه و استنباط احکام شرعی مربوط است، مورد استناد فقها قرار گرفته است. ولی در مورد حجیت اخبار آحادی که در غیر این حوزه از آیات وارد شده است اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی حجیت خبر واحد را فقط در محدوده فقه پذیرفتند و گروهی به تفسیر هم سرایت داده‌اند. شیخ طوسی گرچه حجیت خبر واحد را پذیرفته است، اما آن را فقط محدود به فقه می‌داند و به صراحت می‌گوید: سزاوار است به دلیل‌های صحیح

عقلی یا شرعی مانند اجماع یا روایات متواتر کسانی که پیروی آنان واجب شده، رجوع شود و خبر واحد در این مورد (تفسیر) پذیرفتنی نیست؛ به خصوص در موردی که راه شناخت آن علم می‌باشد، و هر گاه در تأویل آیه به شاهد لغوی نیاز باشد، تنها شاهی پذیرفته می‌شود که میان اهل لغت معروف باشد، اما طریق آحاد که قطع آور نیست. سزاوار نیست که بر کتاب خدا گواه گرفته شود؛ بلکه در مورد آن شایسته است، توقف گردد (طوسی، التبیان، بی تا: ۷/۱).

در میان علمای متأخر نیز می‌توان برخی تعابیر محقق نائینی را ناظر به قول عدم حجیت روایات غیر فقهی دانست؛ هر چند ایشان دلیل روشنی برای سخن خویش اقامه نمی‌کند. تعبیر وی چنین است: «خبر، تنها آن‌گاه مشمول دلیل حجیت است که دارای اثر شرعی باشد» (نائینی، أجدود التقریرات، ۱۳۶۸: ۱۰۶/۲). آقا ضیاء الدین عراقی نیز ادله حجیت خبر واحد را تنها مختص احکام فقهی دانسته است و موضوعات خارجی مانند حجیت قول لغوی را مشمول این ادله نمی‌داند (بروجردی، نه‌ایة الافکار، ۱۳۶۴: ۱۳/۳).

از میان مفسران معاصر علامه طباطبایی در آثار خود بر لزوم اثر شرعی بر خبر واحد تأکید می‌کند و آن را فقط در فقه معتبر می‌داند (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۲۰۶/۱۴؛ همو، قرآن در اسلام، ۱۳۸۰: ۷۰). ایشان در مواضع متعدد بر عدم حجیت احادیث غیر فقهی و از جمله روایات تفسیری اصرار دارد و این بحث را به طور نسبتاً مبسوطی از زوایای مختلف فلسفی، اصولی و تفسیری مطرح مورد کاوش قرار داده است. علامه به عنوان قاعده کلی در برخورد با روایات چنین می‌نویسد: «حدیثی که بدون واسطه از زبان خود پیامبر صلی الله علیه و آله یا ائمه اهل بیت علیهم السلام شنیده می‌شود، حکم قرآن کریم را دارد، ولی حدیثی که با واسطه به دست ما می‌رسد عمل شیعه در آن به این ترتیب است که در معارف اعتقادی که به نص قرآن کریم علم و قطع لازم است، به خبر متواتر یا خبری که شواهد قطعی به صحت آن در دست است عمل می‌شود و به غیر این دو قسم که خبر واحد نامیده می‌شود، اعتباری نیست. ولی در استنباط احکام شرعیه نظر به ادله اقامه شده، علاوه بر خبر متواتر و قطعی، به خبر واحد نیز که نوعاً مورد وثوق باشد عمل می‌شود. پس خبر متواتر و قطعی در نزد شیعه مطلقاً [در معارف اعتقادی و احکام شرعی] حجت و لازم‌الاتباع است و خبر غیر قطعی (خبر واحد) به شرط این که مورد وثوق نوعی باشد تنها در احکام شرعیه حجت است» (همو، شیعه در اسلام، ۱۳۷۵: ۱۲۹؛ ۱۳۸۰: ۷۰).

از نظر علامه طباطبایی، اعتبار و حجیت شرعی، از اعتبارات عقلایی است و در مواردی امکان پذیر است که دارای اثر شرعی باشد؛ یعنی اثری که برداشتن و گذاشتن آن، به دست شارع باشد. در مقابل، در قضایای تاریخی و امور اعتقادی و مواردی که در صدد تحصیل شناخت واقع هستیم، تعبد و تشریح و جعل حجیت بی‌معناست؛ زیرا اثر شرعی بر آن‌ها مترتب نیست. به بیان دیگر، معنا ندارد شارع غیر علم را علم قرار دهد و مردم را به تعبد در برابر آن فراخواند (همو، المیزان، ۱۴۱۷: ۳۵۱/۱۰).

آیت‌الله جوادی آملی نیز با تقسیم مسائل دین به معارف اعتقادی و احکام عملی، خبر واحد را در احکام عملی که جای تعبد است؛ حجت تعبدی می‌داند، ولی در بخش معارف اعتقادی که قابل تعبد نیست ظن و گمان را معتبر نمی‌داند (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۸۸: ۱/۱۵۷-۱۵۶). از نظر ایشان، برای عمل به احکام نیاز به سکون قلبی و یقین نبوده و به ظنیات نیز می‌توان عمل نمود، لذا در مسائل عملی امکان تعبد به «ظن» وجود دارد، در حالی که در مسائل علمی تعبد به «ظن» ممکن نیست (همان، ۱۲۶/۲). بر این مبنا ایشان بر این باورند که آن‌گاه می‌توان به قول معصوم استناد کرد و آن را حد وسط برهان قرار داد و با آن به واقع رسید که مبادی پیشین آن، مانند توحید، نبوت و رسالت، با استدلال و براهین عقلی ثابت شده باشد. هم‌چنین معصومی که روایت را بیان فرموده‌اند معین شده و مطلب مورد نظر برای حد وسط را به یقین معصوم علیه السلام فرموده باشند. باید توجه داشت آن‌چه که می‌تواند حد وسط برهان قرار گیرد، سنت قطعی معصوم علیه السلام است، نه خبر واحد و مانند آن، که موجب مظنه به قول معصوم است؛ نه جزم به آن. زیرا سخن هر راوی با چندین اصل، هم‌چون اصل عدم غفلت، عدم سهو، عدم زیاده، عدم نقصان و عدم نسیان از لحاظ ناقل، و با اصول بی‌شمار لفظی و غیر لفظی، مانند اصالة الاطلاق، اصالة العموم، اصالة الحقیقة و اصالة عدم النسخ از لحاظ منقول، قابل اعتماد می‌شود (همان، ۵۵۸-۵۵۹).

آیت‌الله مصباح یزدی نیز معنای حجیت در تفسیر را غیر از حجیت در فقه می‌دانند و منجزیت و معذرت را مربوط به عمل دانسته، لذا این معنا را در تفسیر که به امور جوانحی مربوط است سرایت نمی‌دهند (مصباح یزدی، حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن، ۱۳۸۹: ۹). ایشان ذیل آیه ۴۴ سوره نحل درباره چگونگی بهره‌گیری از روایات تفسیری می‌نویسد: «روشی که در فقه برای استفاده از روایات وجود دارد قابل پیاده شدن در تفسیر نیست؛ زیرا ویژگی‌های تفسیر با فقه متفاوت است. در فقه روایات ظنی السنند یا ظنی الدلالة برای ما حجت است و وظیفه داریم به آن‌ها متعبد شویم؛ زیرا در مقام عمل به ناچار به حجت نیاز داریم». ایشان سپس استفاده از روایات را برای مفسر موجب نزدیکی وی به واقع می‌داند (همو، قرآن‌شناسی، ۱۳۹۰: ۱۱۸/۲).

آیت‌الله فاضل لنکرانی در مقدمه بیان رأی مخالف خود با این گروه مبنای اختصاص حجیت خبر واحد در فقه را از نگاه طرفداران این نظر این‌گونه توضیح داده‌اند: «حجیت عبارت از منجزیت در صورت موافقت و معذرت در فرض مخالفت و این دو یعنی منجزیت و معذرت ثابت نمی‌شود، مگر در باب تکلیف متعلق به افعال فعلا باشد یا ترکاً. پس زمانی که مفاد خبر، حکم شرعی یا موضوع برای حکم شرعی باشد؛ خبر حجت است به خاطر اتصافش در این صورت به وصف معذرت و منجزیت. و در غیر احکام چون این وصف محقق نمی‌شود پس در تفسیر غیر

آیات احکام عملی به عدم حجیت خبر واحد ملتزم می‌شویم...» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۹۶: ۱۷۳). البته ایشان این ملاک را برای انحصاری دانستن حجیت خبر واحد در فقه نمی‌پذیرند؛ و معتقدند فرقی در حجیت و اعتبار بین این دو قسم نیست. برای این‌که در هر دو صورت ملاک یکسان وجود دارد (همان، ۱۷۴).

۲. دیدگاه و ادله قائلان به حجیت روایات غیر فقهی

بزرگانی چون: آیت‌الله خویی، آیت‌الله معرفت، آیت‌الله فاضل لنکرانی و آیت‌الله سبحانی اگر چه تفاوت‌هایی در تحلیل نظر و مبانی خویش دارند، ولی در پذیرفتن حجیت خبر واحد در تفسیر هم عقیده هستند. آیت‌الله خویی در تفسیر البیان، نخست به تقریر سخن کسانی می‌پردازد که در شمول حجیت خبر واحد نسبت به روایات تفسیری اشکال کرده‌اند، سپس به ردّ اشکال آنان پرداخته است. شاخص‌ترین مبنای ایشان در پاسخ‌دهی، بهره‌گیری از مهم‌ترین دلیل حجیت خبر واحد یعنی سیره عقلاست که بر اساس آن بر شمول حجیت تأکید می‌ورزد. وی بر مبنای تعبدی بودن سیره عقلا در دفاع از حجیت خبر واحد چنین آورده است: معنای حجت در امارات ناظر به واقع، جعل آن‌ها به صورت علم تعبدی در حکم شارع است. پس آن طریق معتبر (مانند خبر واحد) فردی از افراد علم می‌شود؛ ولی فردی تعبدی است، نه وجدانی. پس هر آن‌چه بر قطع مترتب است، بر آن هم مترتب می‌شود. پس می‌توان بر اساس آن خبر داد؛ چنان‌که در موارد علم وجدانی می‌توان خبر داد و این خبر دادن، سخن بدون علم نیست. دلیل این مطلب، سیره عقلا است که آن‌ها هم با طریق معتبر، معامله علم وجدانی می‌کنند و بین آثار آن‌ها فرق نمی‌گذارند (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۳۹۸-۳۹۹). سیره عقلا مورد توجه فقها و اصولیان برجسته‌ای نیز بوده است؛ چنان‌که امام خمینی رحمته‌الله علیه نیز هنگام بحث از دلایل حجیت خبر واحد، سیره عقلا را مورد تأکید قرار داده و چنین می‌نویسد: «عمده دلیل در این باب، سیره عقلا است؛ بلکه غیر از آن دلیلی نیست و هر کس جوامع بشری را از آغاز استقرار تمدن‌ها مورد بررسی و دقت قرار دهد و برای خود مسلکی اجتماعی برگزیند، به این امر پی می‌برد» (موسوی خمینی، تهذیب الاصول، بی‌تا: ۲/۲۰۰). یکی از اندیشمندان معاصر نیز ضمن مقایسه میان خبر واحد و قیاس، به عنوان دلیل هشتم بر حجیت خبر چنین می‌نویسد: «سیره عقلا در همه امور بر عمل به خبر واحد استقرار یافته و شارع اقدس با این سیره مخالفت نکرده و گرنه مخالفت او آشکار می‌شد، چنان‌که مخالفت او با قیاس معلوم گردیده است. با اینکه عمل کننده بر طبق قیاس بسیار کمتر از عمل کننده بر طبق خبر ثقه است، اما روایاتی که از عمل بر طبق قیاس منع می‌کند، به بیش از پانصد روایت رسیده و حتی یک روایت که از عمل بر خبر ثقه منع کند، وارد نشده و این به خوبی کشف می‌کند که سیره یاد شده، مورد امضای شارع است» (روحانی، زبده الاصول، ۱۴۱۲: ۱۵۸/۳).

آیت‌الله معرفت نیز به عنوان یکی از طرفداران حجیت روایات غیر فقهی برای خبر واحد، به کاشفیت و طریقت ذاتی عقلایی قائل است که شارع نیز آن را تأیید کرده است. ایشان در این زمینه چنین می‌نویسد: آنچه برای ما ظاهر می‌شود، آن است که حجیت خبر واحد جامع شرایط مستند به دلیل تعبدی نیست؛ بلکه مستند به سیره عقلا است که عموم آن‌ها بر اساس آن طی طریق می‌کنند و شارع حکیم با آنان همراهی کرده است. پس تعبدی نیست که به دنبال اثر عملی یا اهداف تکلیفی باشد، بلکه این همراهی با عقلا در شیوه‌های آنان برای پی‌گیری تنظیم امور زندگانی‌شان است و آنچه از آیات و روایات آمده است امضا و موافقت با آن شیوه است و آنچه در اعتبار اخبار ثقه آمده است، شواهدی بر این امضا و موافقت است. پس در حقیقت، آن ارشاد به آن اعتبار عام است و تکلیف به تعبد نیست (معرفت، التفسیر الاثری الجامع، ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۲۸).

آیت‌الله معرفت خبر واحد را علم تعبدی گرفته است نه تعبد به عمل؛ ایشان در صورتی که خللی در خبر آشکار نباشد؛ خبر واحد ثقه را اطمینان‌آور می‌دانند و می‌گویند: «از این رو، تمامی احکام و سنن شریعت را که تفصیل مجملات قرآن است، و تفسیر این آیات به حساب می‌آید و با خبر واحد جامع شرایط به دست رسیده است، می‌پذیریم و معتبر می‌دانیم. مگر خبری که خللی از لحاظ سند یا محتوا در آن مشهود باشد، در این صورت اعتبار ندارد» (همان، ۱۴۸).

آیت‌الله سبحانی نیز در کتاب «کلیات فی علم الرجال» در بخش «علم الرجال والاحادیث غیرالفقهیه» چنین آورده است: مراجعه به علم رجال اختصاص به روایات فقهی ندارد. بنابراین، همان‌گونه که فقیه برای شناخت روایات صحیح از روایات نامعتبر چاره‌ای جز مراجعه به علم رجال ندارد، محدث و مورخ اسلامی نیز واجب است که در بررسی قضایای تاریخی و حوادث دردناک یا سرور انگیز به این علم مراجعه نماید؛ زیرا دست ناپیدای جعل و وضع، در میدان تاریخ و امور مربوط به مناقب بیشتر از میدان روایات فقهی بازی‌گری کرده است (سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ۱۳۸۸: ۴۹۰).

دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی پیرامون حجیت خبر واحد

ایشان از موافقان سرسخت حجیت مطلق اخبار آحاد است، چنان که ضمن بحث از حجیت اخبار آحاد موثق در تفسیر آیات قرآن، عقیده خود را مبنی بر حجیت مطلق اخبار آحاد در تفسیر آیات قرآن، اعم از این‌که این آیات مربوط به احکام عملی و فقهی باشند یا غیر این‌ها، بیان کرده است. گرچه موضوع بحث وی امکان بهره‌مندی از اخبار آحاد در تفسیر قرآن است. اما مبانی پذیرفته شده توسط او شامل مباحث کلامی نیز می‌شود.

ایشان دو دلیل برای اثبات نظر خویش بیان می‌کنند.

(۱) بناء عقلا: دلیل اصلی اصولیان؛ (۲) ادله شرعی تعبدیه: آیات و روایات.

و در توضیح دلیل اول می‌نویسد: «اعتماد عقلا بر خبر واحد و استناد به آن همان‌طور است که اگر عقلا مطمئن شوند که زید از سفر برگشته است خواهند توانست خبر آن را منتشر کنند هر چند که هیچ‌گونه تأثیر عملی بر آن مترتب و موضوعی برای یک اثر عملی نباشد. هم‌چنین اگر فرد مورد اعتمادی به آن‌ها خبر از آمدن زید دهد. از نظرشان این خبر که خبر واحد می‌باشد قابل اعتماد و انتشار است. چنین موضوعی در تمامی ابعاد شیوه زندگی عقلا صدق می‌کند». ایشان در ادامه با آوردن مثال قاعده ید که اماره مالکیت در بین عقلا است و فقها با استفاده از آن حکم به خرید و فروش و آثار ملکیت بر آن می‌دهند؛ اعتماد به سیره عقلا در امارات دیگر را رایج می‌دانند و بالاخره نتیجه می‌گیرند: همان‌طوری که حجیت ظواهر کتاب از طریق بناء عقلا فقط برای احکام عملی نیست بلکه به طور مطلق ظاهر حجت است؛ روایتی هم که حاکی از قول معصوم در تفسیر قرآن است نه تنها در باب احکام عملی بلکه به طور مطلق حجت است (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۹۶: ۱۷۴).

آیت‌الله فاضل لنکرانی در رابطه با دلیل دوم اگر چه معتقد است در متن ادله شرعیه تعبدیه منجزیت و معذرت نیست تا بتواند اثر عملی داشته باشد، ولی در جایی که موضوع به نحوی با شارع مرتبط باشد و به او نسبت پیدا کند را قابل پذیرش می‌داند؛ و این مطلب را به تفسیر هم سرایت می‌دهد. در این باره می‌نویسد: «در باب تفسیر هم اسناد دادن مطالب به خداوند و تشخیص مراد وی از کتاب به نوعی استناد را درست می‌کند؛ گرچه از آیات الاحکام نباشد. به عنوان مثال اگر مفهوم آیه نبأ دلالت بر حجیت خبر واحد عادل داشته باشد، بازگشت آن به این است که استناد به خبر واحد عادل جایز است و تبیین و تفحص در آن لازم نیست. در نتیجه در دلیل اعتبار خبر واحد چیزی که آن را مختص به احکام عملی و آیات فقهی کند وجود ندارد، و شامل آیات مربوط به دیگر مسائل قرآن؛ مانند: مواعظ، نصایح، قصص، حکایات و غیره نیز خواهد شد. بنابراین، می‌توان به خداوند استناد داد که خبر داده است به این‌که عیسی علیه السلام کشته نشده و به دار آویخته نشده است، اگر چه این خبر مرتبط به باب تکالیف و احکام عملی نیست» (همان، ۱۷۵).

ایشان با اشاره به جواز تخصیص عام کتابی با خبر واحد، یکی از کاربردهای خبر واحد در تفسیر را جلوه می‌دهد و در بحث‌های اصولی در زمینه تخصیص عمومات قرآنی به خبر واحد در مقابل قائلین به عدم جواز تخصیص آورده است: «اگر بگوییم خبر واحد نمی‌تواند مخصّص عمومات قرآنی واقع شود، لازمه‌اش این است که اصلاً حجیت خبر واحد، یک مطلب «لغو» باشد. زیرا در

مقابل تمام اخبار آحاد - الا ما شدّ و ندر - یک عموم قرآنی هست که با آن مخالف باشد و اخبار آحاد - الا ما شدّ و ندر - در برابر عمومات کتاب، وارد شده تا تخصیصی بر آن وارد نماید و الا نیازی نبود درباره حجیت خبر واحد بحث کنیم، اصولاً حجیت خبر واحد را به منظور تخصیص عمومات قرآنی لازم داریم زیرا تقریباً در برابر نود و پنج درصد از اخبار آحاد، همیشه عمومی از کتاب الله به صورت مخالف تحقق دارد پس اگر ما در بحث حجیت خبر واحد - که سیره عقلا بر آن، قائم شده و شارع مقدّس هم آن را امضا نموده - قائل به حجیت آن شدیم، لازمه اش این است که به تبع آن، قائل شویم: خبر واحد می‌تواند مخصّص عمومات قرآنی واقع شود» (فاضل لنکرانی، ایضاح الکفایه، ۱۳۸۵: ۳/۴۹۶). ایشان در جای دیگر آورده است: سیره عملی فقها هم بر این بوده که عام کتابی را به وسیله خبر واحد معتبر تخصیص می‌زنند و کسی هم به آنان اشکال نکرده است. مثلاً فقهاء آیه شریفه ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مانده/ ۱) را با روایت معتبر «نهی النبی عن بیع الغرر» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۴۰ من أبواب آداب التجاره، ح ۳) تخصیص می‌زنند و نتیجه می‌گیرند که عقد غرری واجب الوفاء نیست. از طرفی ملاحظه می‌کنیم که کتاب الله در باب عبادات معاملات و حلیت اشیاء، عمومات و اطلاقاتی دارد و از طرفی تمام اخبار آحادی که در رابطه با اجزاء و شرایط عبادات وارد شده است، امر زائدی بر عمومات و اطلاقات کتاب را بیان می‌کنند. و اگر ما بخواهیم دایره حجیت خبر واحد را محدود به جایی بدانیم که مستلزم تخصیص و تقيید کتاب الله نباشد، لازم می‌آید که مسئله حجیت خبر واحد را به طور کلی کنار بگذاریم، در این صورت از کجا اجزاء و شرایط عبادات را بدست آوریم؟ (فاضل لنکرانی، اصول فقه شیعه، ۱۳۸۱: ۶/۴۳۲).

تحلیل دیدگاه آیت‌الله فاضل لنکرانی

کسانی که می‌گویند اخبار آحاد در تفسیر قرآن جریان ندارد و حجیت ندارد، دو دلیل دارند: بعضی مثل شیخ مفید و شیخ طوسی می‌گویند؛ در این امور علم لازم داریم؛ و خبر واحد مفید علم نیست. بعضی مثل علامه می‌گویند؛ ادله حجیت خبر واحد برای شما حجیت شرعی و حجیت تعبدیه می‌آورد؛ حجیت شرعی و تعبدی هم در جایی است که تعبد امکان داشته باشد؛ و تعبد در محدوده شرع امکان دارد؛ اما قضایای تکوینی و تاریخی و... ربطی به شارع ندارد؛ لذا، خبر واحد را در آن‌ها نمی‌تواند حجت قرار دهد (فاضل لنکرانی، درس خارج، ۱۳۸۸، جلسه ۸۵). در مقابل با یک نگاه کلی به نظر آیت‌الله فاضل در می‌یابیم ایشان در رأی خود از محورهای اصلی ملاک (منجزیت و معذرت)، دلیل (سیره عقلا) و لزوم حجیت (در صورت حجیت نداشتن بحث از خبر واحد بی‌مورد است) که نظرشان را در فقه بر آن بنا نهاده‌اند عدول نکرده و در اعتبار خبر واحد در تفسیر نیز بر آن پای بند هستند.

ایشان برخلاف آیت‌الله خوئی که بحث را متمرکز کردند روی این که برای حجیت چه تفسیری باید ذکر کنیم؟ آیا حجیت را به علم تعبدی معنا کنیم یا به منجزیت و معذرت معنا کنیم؟ بحث را در کتاب مدخل التفسیر روی ادله حجیت خبر واحد متمرکز کردند. ایشان می‌فرمایند: ادله حجیت خبر واحد، چه سیره عقلائی و چه ادله تعبدیه، تماماً عمومیت دارد. اما سیره عقلائی، وقتی به عقلا مراجعه کنیم، آیا عقلا که به خبر واحد عمل می‌کنند، در مواردی عمل می‌کنند که بر این خبر واحد اثر عملی مترتب باشد؟ یا اینکه نه، عقلا همان طوری که در مواردی که قطع به چیزی دارند، به آن عمل می‌کنند، در مواردی هم که خبر واحد قائم شود، باز به آن عمل می‌کنند؟ البته ایشان نمی‌خواهند، بفرمایند عقلا خبر واحد را به منزله علم می‌دانند. بلکه منظور آن است که عقلا همان آثاری را که بر علم بار می‌کنند، بر همین دلیل ظنی هم بار می‌کنند. بنابراین، عقلا در عمل به خبر واحد فرقی بین این که خبر اثر عملی داشته باشد یا نداشته باشد، نمی‌گذارند؛ همان طوری که در موارد قطع، به خبر عمل می‌کنند، در مواردی هم که خبر واحد قائم شود، بر طبقش عمل می‌کنند؛ و شارع نیز آمده این سیره عقلائی را امضا کرده است. پس، شارع هم باید خبر واحد را در همه موارد حجت قرار دهد (فاضل لنکرانی، درس خارج، ۱۳۸۸، جلسه ۸۶).

هم چنین ایشان در صورت دلالت ادله دیگر (کتاب، عقل، اجماع) بر حجیت خبر واحد ثقه نیز آن دلایل را شامل حجیت روایات تفسیری غیر مرتبط با عرصه حکم شرعی نیز می‌داند، چرا که از دیدگاه ایشان در ظاهر آن ادله مثل آیه نبأ به جواز استثناء به خبر واحد ثقه و عدم لزوم تبیین از کلام او و عدم لزوم جست‌وجو از راستگویی اش باز می‌گردد که به باب اعمال اختصاص ندارد (قاضی زاده و جعفری، تحلیل تفاوت دیدگاه‌های قایلان به حجیت اخبار آحاد در حوزه تفسیر، ۱۳۹۰: ۱۱).

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی، فرزند ایشان در دلیل سیره عقلائی اشکال کردند و در توضیح اشکال آورده‌اند: «شارع فقط در دائره شرع می‌تواند سیره عقلا را امضا کند؛ آن چه را که مربوط به اعمال انسان است، شارع نمی‌تواند امضا کند. سیره عقلائی در خبر واحد بر عمل به خبر واحد است؛ اما خبر واحدی داریم که بعضی از آن مربوط به عمل است، و بعضی دیگرش هم مربوط به امور تاریخ و غیر تاریخ است، شارع که سیره عقلائی را امضا می‌کند، نمی‌تواند خارج از حوزه شرع آن را امضا کند. و لذا، خود ایشان هم در همین کتاب مدخل التفسیر در آخر می‌فرمایند: «نعم، لا محیص عن الالتزام بالاختصاص بما إذا كان له ارتباط بالشرع وإضافة الیه بما آتاه شارع» پس، روی این بیان، امضای شارع نسبت به اینکه عقلا الآن در کتاب‌های تاریخ به خبر یک مورخ ترتیب اثر می‌دهند، هیچ اثر شرعی و عملی برای ما ندارد، در ذیل کلام می‌فرمایند: این امضا فایده ندارد. امضا فقط در دائره تعبد است؛ فقط در دائره آن چیزی است که مربوط به شرع می‌شود. در نتیجه، سیره عقلائی هم به درد حجیت خبر واحد در اعمال مکلف می‌خورد و هم

حجیت خبر واحد در تفسیر؛ چون آن نیز مربوط به شرع می‌شود؛ اما در غیر از اینها، مثل تاریخ، ما از سیره عقلائیه نمی‌توانیم استفاده بکنیم (فاضل لنکرانی، درس خارج، ۱۳۸۸، جلسه ۸۶). در پایان نیز ایشان نیز وجود روایات در تفسیر آیات را دلیل محکم و مستقلاً بر اعتبار خبر واحد در تفسیر می‌دانند و می‌گویند: «اگر واقعاً خبر واحد در تفسیر آیات حجت نبود، نقلش از اصحاب ائمه که هر کسی برای شاگرد خودش روایت را نقل می‌کرد و همین‌طور... باید تمام اینها لغو باشد. اصلاً، بالاتر، ائمه معصومین علیهم‌السلام نباید مطلبی را می‌فرمودند؛ یا اگر می‌فرمودند، به اینها می‌گفتند این برای شما که مستقیماً از ما می‌شنوید، حجت دارد؛ و نه دیگران. ما وقتی این همه روایات فراوان آمده در تفسیر آیات را ملاحظه می‌کنیم، معلوم می‌شود که باید قائل شد به اینکه این روایات حجت دارد؛ و بین این روایات و روایاتی که در فروع وارد شده، فرقی نیست» (فاضل لنکرانی، درس خارج، ۱۳۸۸، جلسه ۸۸).

اگر چه آیت‌الله محمد جواد فاضل لنکرانی برای اعتبار خبر واحد بر وجود روایات فراوان از ائمه معصومین علیهم‌السلام تمرکز کردند ولی این مطلب نیز گواه دیگری است بر اینکه سیره عقلاً بهترین دلیل بر اعتبار خبر واحد می‌باشد چرا که باز هم بر طبق سیره عقلاً وجود روایات فراوان در موارد مختلف فقهی و غیر فقهی که از طریق ثقه به دست ما رسیده است، دلیلی بر اعتبار خبر واحد دانسته می‌شود.

نتیجه

مخالفان حجیت روایات غیر فقهی ملاک حجیت را منجزیت و معذرت می‌دانند و در نتیجه حجیت خبر واحد را در باب تکالیف و احکام شرعی فقهی که متصف به منجزیت و معذرت می‌باشند، می‌پذیرند. ولی موافقان حجیت روایات غیر فقهی با تفاوتی در مبنای خود برای حجیت روایات غیر فقهی به سیره عقلاً استناد می‌کنند. ظاهراً دیدگاه و ادله قائلان به حجیت روایات غیر فقهی قوی‌تر است، زیرا تمام دلایل حجیت خبر واحد، شامل این دسته از روایات نیز می‌شود. پس اگر روایات تفسیری - که به عنوان خبر واحد است - محفوف به قرائن باشد، حجت است می‌توان در تفسیر قرآن کریم از آنها بهره جست. آیت‌الله فاضل لنکرانی از طرفداران حجیت روایات غیر فقهی به دلیل سیره عقلاً است که البته ادله شرعی تعبدیه را در جایی که موضوع به نحوی با شارع مرتبط باشد، می‌پذیرند و به تفسیر هم نسبت می‌دهند. در حقیقت بر اساس این دیدگاه، ملاک و دلیل اعتبار حجیت خبر واحد عام است و شامل تمام مسائل عملی و غیر عملی می‌شود و دلیلی بر اختصاص حجیت آن به مسایل عملی وجود ندارد.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب (جلد دوم)، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۳. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
۴. بروجردی، محمد تقی، نهاية الافکار (تقرير بحث الاستاذ ضياء الدين العراقي)، قم: جماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ سوم، ۱۳۶۴ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه (جلد دوازدهم)، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۶. حوزه تفسیر فصلنامه علوم حدیث، سال شانزدهم، شماره اول و دوم، ۱۳۹۰ش.
۷. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی، بی تا.
۸. روحانی، سید محمد صادق، زبده الاصول (جلد سوم)، قم: المطبعة العلمية، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.
۹. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم: مؤسسه امام الصادق (ع)، ۱۳۸۸ش.
۱۰. شانه چی، کاظم، علم الحدیث و درایة الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ش.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن (جلد دهم و چهاردهم)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، مشهد: نشر قدس رضوی، ۱۳۸۰ش.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی اصول فقه، قم: محمد تقی علاقبندیان، ۱۴۱۷ق.
۱۶. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، اصول فقه شیعه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۱ش.
۱۷. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، ایضاح الکفایة، قم: نوح، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ش.

۱۸. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، درس خارج اصول، نویسنده اصغر محمدی، بی تا.
۱۹. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، محمد جواد، درس خارج اصول، پایگاه اطلاع رسانی محمد جواد فاضل لنکرانی.
۲۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، مدخل التفسیر، تهران: مطبعة الحیدری، ۱۳۹۶ ش.
۲۱. لاری شیرازی، عبدالحسین، التعليقه على فرائد الأصول (جلد اول)، اللجنة العلميه للموتمر، ۱۴۱۸ ق.
۲۲. محمدی، اصغر، تقرير درس خارج اصول، تهران: بی تا، بی تا.
۲۳. محمدی، علی، شرح اصول فقه، قم: دارالفکر، چاپ دهم، ۱۳۸۷ ش.
۲۴. مسعودی، عبدالهادی، تفسیرروایی جامع، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، چاپ دهم، ۱۳۹۵ ش.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی، حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن، مجله معرفت، سال نوزدهم، ۱۳۸۹ ش.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ ش.
۲۷. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۴ ش.
۲۸. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۸۳ ش.
۲۹. موسوی خمینی، روح الله، تهذیب الاصول، قم: دار الفکر، بی تا.
۳۰. نائینی، محمد حسین، أجود التقریرات، قم: مصطفوی، ۱۳۶۸ ش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی